

## عقب‌نشینی در طرح‌های خط لوله صلح

منبع: تایمز آسیا [www.Atimes.com](http://www.Atimes.com)

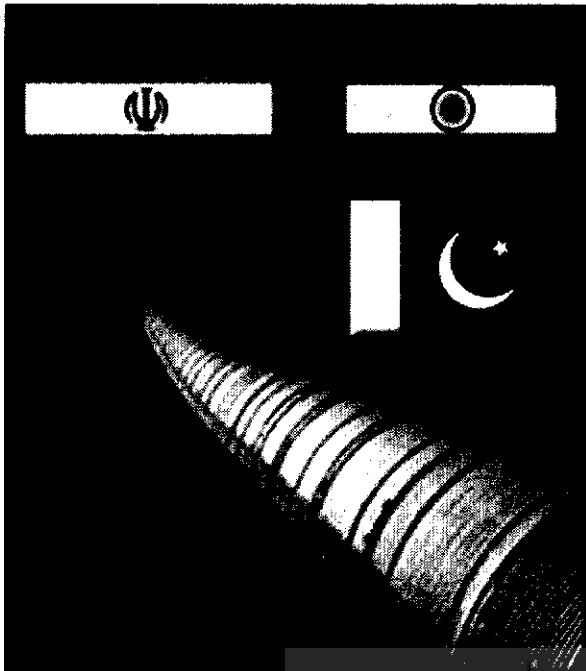
نوشته: گال لوفت (Gal Luft)

مدیر اجرایی موسسه تجزیه و تحلیل امنیت جهانی  
(Institute for the Analysis of global Security)

اشاره: سال‌هاست که انتقال گاز از میدان پارس جنوبی واقع در خلیج فارس به پاکستان و هندوستان به یکی از مسائل راهبردی ایران در منطقه تبدیل شده است. برخی معتقدند که این «خط لوله صلح» علاوه بر تأمین درآمد برای ایران، هزینه جنگ بین هندوستان و پاکستان از یک سو و بین ایران و پاکستان از سوی دیگر را بالا برده و بنابراین احتمال هرگونه جنگ را کاهش می‌دهد که این هم از منافع راهبردی ایران می‌باشد.

برخی دیگر از منظر کارشناسی در مهندسی مخازن نفت بر این باورند که به دلیل افت فشار مستمر در مخازن نفت، مقادیر معتدلی از نفت در زیر زمین به صورت تله درآمده و امکان رهایی و بهره‌برداری از آن متصور نیست، مگر با تزریق گاز به آنها. با این استدلال، این دسته از کارشناسان مخالف صادرات گاز آن هم به قیمت ارزان از یک سو و هزینه هنگفت سرمایه‌گذاری خط لوله از سوی دیگر می‌باشند.

برخی نیز از موضع امنیت ملی بر این باورند که شبکه توزیع سرتاسری گاز ایران باید به حدی پرفشار باشد که حتی در سردترین شرایط اقلیمی ایران پاسخگوی نیاز مردم باشد، تا مبادا به نارضایتی و شورش تبدیل شود. اینها معتقدند اولویت با تقویت شبکه داخلی گاز می‌باشد. گرچه هر سه دسته فوق از موضع نیک‌اندیشی و منافع ملی به اولویت خاصی می‌رسند، اما باید دید آیا دسته نخست که منافع ملی را در «خط لوله صلح» و صادرات گاز به هندوستان و پاکستان می‌دانند، به مسائل امنیتی آن نیز اندیشیده‌اند؟ در این مقاله آقای گال لوفت مدیر اجرایی موسسه تجزیه و تحلیل امنیت جهانی،



از منظرهای مختلف به بررسی موقعیت امنیتی خط لوله در بلوچستان و پاکستان پرداخته است و نشان می‌دهد که جبهه آزادیبخش بلوچستان پاکستان مخالف احداث چنین خط لوله‌ای است.

علاوه بر این، روزنامه «الحیات» نیز در مقاله‌ای با عنوان «جنگ خاموش بلوچستان» از منظری دیگر به بررسی وضعیت بلوچستان پاکستان پرداخته و مقوله استراتژیک جدیدی را مطرح می‌سازد و معتقد است به دنبال درج مقاله سیمور هرش در مجله نیویورکر و افشای این مطلب که مأموران اطلاعاتی پاکستان به همراه نیروهای امریکایی به منظور شناسایی سایت‌های اتمی ایران وارد ایران شده‌اند، ایران نیز طبعاً واکنش‌هایی نشان داده است.

به دلیل اهمیت موضوع بر آن شدیم تا مقاله آسیا تایمز و همچنین تلخیصی از مقاله الحیات را تقدیم خوانندگان کنیم، به این امید که مردم و مسئولان توجه بیشتری به این موضوع نشان دهند و در ضمن نشریه چشم‌انداز ایران را از دیدگاه‌های کارشناسی خود محروم ننمایند.

هم برای هندوستان تشنه انرژی و هم برای همسایه سرریز در حال رشد آن یعنی پاکستان، نیاز به گاز طبیعی بیش از هر زمانی احساس می‌شود. پاکستان از یکی از بیشترین نرخ‌های رشد جمعیت در جهان برخوردار است و تقاضای آن برای گاز ظرف دو دهه آینده به میزان قابل ملاحظه‌ای رشد خواهد نمود. میزان تقاضای هند برای گاز تا سال ۲۰۱۵ تقریباً دو برابر خواهد شد و به دلیل کاهش منابع داخلی، آن کشور مجبور خواهد شد میزان واردات گاز خود را مرتباً افزایش دهد. ایران به عنوان کشوری که دارای دومین منابع گازی در جهان است از لحاظ جغرافیایی می‌تواند مناسب‌ترین منبع تأمین گاز برای هر دو کشور باشد.

هندوستان سه مسیر برای انتقال گاز از ایران را مورد توجه قرار داده است: حمل گاز توسط تانکر از طریق دریای عرب به صورت گاز مایع انتقال گاز از طریق خط لوله تعبیه شده در بستر دریا و یا انتقال آن از خشکی به وسیله یک خط لوله ۱۷۰۰ کیلومتری از میدان پارس جنوبی ایران به هند.

راه حل اخیر به معنای آن است که ۴۷۵ کیلومتر از خط لوله مورد نظر از خاک استان بلوچستان در جنوب پاکستان عبور نماید. اما مدت زیادی است که تنش‌های سیاسی میان هند و پاکستان مانع از آن شده که دهلی به دنبال اجرای یک پروژه انرژی برود که موجب وابستگی آن کشور به همسایه‌ای می‌شود که روابط چندان آرامی با آن ندارد. بهبود اخیر در روابط میان دو همسایه بالاخره باعث شده که هندوستان به این فکر بیفتد که امکانات خود را با امکانات پاکستان جمع نماید و یک پروژه سودمند برای هر دو کشور را مورد نظر قرار دهد که ارزش آن برابر ۴ میلیارد دلار ارزیابی می‌شود. یک سوم گاز انتقالی به پاکستان داده می‌شود و بقیه سهم هند است.

برای ایران، مشارکت هندوستان در پروژه از اهمیت فراوانی برخوردار می‌باشد. ایران امیدوار است که علاوه بر دستیابی به یک بازار بزرگتر برای گاز خود، حمایت سیاسی هندوستان را نیز در مواجهه با فشارهای سنگین بین‌المللی جهت خاتمه دادن به برنامه هسته‌ای خود به دست آورد.

ایران در مقابل موافقت هند برای خرید مقادیر فراوان گاز، قراردادهای خدماتی بزرگی را به شرکت‌های هندی واگذار نموده و در عین حال آنها را در پروژه‌های پالایش و دیگر پروژه‌های انرژی به میزان حدود ۴۰ میلیارد دلار مشارکت داده است.

روابط ایران با پاکستان نیز از اهمیت استراتژیک فراوانی برخوردار می‌باشد. در حالی که نیروهای امریکایی در دو کشور همسایه ایران یعنی افغانستان و عراق مستقر شده‌اند، ایران تلاش می‌کند نفوذ ایالات متحده در منطقه را از طریق تقویت روابط خود با پاکستان که یکی از مهم‌ترین متحدان امریکا در جنگ علیه تروریسم است، کنترل نماید. پاکستانی‌ها نیز به نوبه خود مایل‌اند سرزمین خود را به عنوان مسیر ترانزیت در اختیار صدور گاز طبیعی به هندوستان بگذارند. این امر نه تنها برای آنها یک منبع درآمد تولید می‌کند، بلکه موجب تقویت ثبات منطقه می‌گردد. نخست‌وزیر پاکستان، شوکت عزیز گفت که خط لوله ایران - پاکستان - هند برای هر سه کشور دارای منافع است و می‌تواند به عنوان یک اقدام برای ایجاد اعتماد مستمر و روابط اقتصادی قوی و شراکت تجاری میان این سه کشور مورد استفاده قرار بگیرد.

اما به نظر می‌رسد که این پیشنهاد دربرگیرنده نفع سه جانبه، مورد تهدید تروریست‌ها قرار دارد.

**ایران به عنوان  
کشوری که دارای  
دومین منابع گازی  
در جهان است از  
لحاظ جغرافیایی  
می‌تواند  
مناسب‌ترین منبع  
تأمین گاز برای هر  
دو کشور باشد**

چند روز پس از آن که وزیر نفت ایران، بیژن نامداری زنگنه وارد دهلی شد تا پیرامون آینده این خط لوله به بحث بپردازد، تروریست ها در پاکستان دو خط لوله گاز را منفجر نمودند تا به تمامی طرف های ذریعط پیغام بدهند که «خط لوله صلح» هر چه به همراه داشته باشد صلح به همراه نخواهد داشت.

منطقه مرزی میان بلوچستان و پنجاب که قرار است خط لوله در آنجا تعبیه شود، یکی از فقیرترین مناطق پاکستان و همچنین ناآرام ترین منطقه آن کشور به حساب می آید. در سال های اخیر این منطقه عرصه جنگ میان گروه های شبه نظامی وابسته به قبایل مختلف بلوچ بوده است. درگیری های مسلحانه پراکنده منجر به حملات مختلف علیه لوله های آب، خطوط انتقالی نیرو و تأسیسات گاز شده است. با این حال، این منطقه به دلیل ذخایر فراوان نفت و گاز خود از اهمیت استراتژیک برخوردار است. اما این منابع ثروت، فایده چندانی برای اهالی قبایل بلوچ نداشته و ندارد. فقدان پیشرفت اقتصادی و احساس عمیق جدایی از حکومت، موجب پیدایش عدم اعتماد عمیق میان حکومت مرکزی و مردم بلوچ گردیده است.

در نتیجه این وضعیت، قبایل مزبور اکنون با اجرای هرگونه پروژه انرژی در منطقه مخالفت می ورزند. در ژانویه ۲۰۰۳، خرابکاری علیه یک خط لوله گاز در منطقه سوئی (Sui) گاز ورودی منطقه پنجاب را قطع کرد. پس از آن، در ماه ژوئن، موجی از حملات علیه تأسیسات گاز باعث شد تا دولت نیروهای نظامی خود را برای حفاظت تأسیسات به منطقه اعزام کند. در مدت باقی مانده از سال ۲۰۰۳ و سال پس از آن، درگیری ها تا حدودی خنثی شد ولی عوامل نارضایتی جمعیت محلی مورد رسیدگی قرار نگرفت. اسلام آباد اخیراً برای آرام ساختن منطقه سیاست معمول تنبیه را تا حدودی با پاداش نیز همراه ساخته و میزان سرمایه گذاری در پروژه های توسعه

منطقه ای را افزایش داده است. با این حال، چنین به نظر می رسد که خشونت دوباره آشکار شده و منطقه تقریباً در حال لغزش به سمت وضعیت جنگ است.

در شب هشتم ژانویه ۲۰۰۵، تروریست های جبهه آزادیبخش بلوچ (BLF) اقدام به پرتاب راکت به طرف خط لوله نموده و به مدت چندین ساعت به تبادل آتش با نیروهای امنیتی پرداختند. در جریان این تبادل آتش، خط لوله دچار حریق گردید و بدین ترتیب، سوخت یک نیروگاه قطع شد و شش نفر به قتل رسیدند. در جریان یک حادثه دیگر، جبهه آزادیبخش بلوچ حمله ای را علیه یک خط لوله در نزدیکی شهرک سوئی، در ۲۵۰ مایلی شمال کراچی ترتیب داد. این منطقه به تنهایی حدود ۴۵٪ کل گاز پاکستان را تولید می کند. چندین راکت نیز در نزدیکی خط لوله اصلی تأمین گاز استان های سند و پنجاب منفجر شد، ولی خسارتی به بار نیاورد. در ۱۱ ژانویه، افراد مسلح

بلوچ به تأسیسات مورد بهره برداری شرکت نفت دولتی پاکستان در سوئی حمله ور شدند. این افراد مسلح، نگهبان های تأسیسات را شکست دادند و به خط لوله و یک پالایشگاه آسیب وارد ساختند. مهاجمان همچنین ده تن از کارکنان شرکت توسعه آب و نیرو را که بزرگ ترین موسسه آب و نیرو در پاکستان است به گروگان گرفتند. این حملات باعث قطع گاز و برق و همچنین قطع فعالیت یک کارخانه کود و مواد شیمیایی شد.

بسیاری از مردم منطقه بر این باورند که حملات اخیر در استان بلوچستان با هدف خرابکاری علیه پروژه خط لوله و دیگر پروژه هایی شده که تأسیسات گاز سوئی را به میادین گاز ترکمنستان متصل می سازد. اگر این تصور درست باشد، امیدی به قطع حملات نیست و این امر به نگرانی های هند در خصوص قابل اعتماد بودن پروژه دامن خواهد زد. احتمال خرابکاری علیه طرح خط لوله ایران - هند توسط گروه های مسلح در پاکستان هر روز بیشتر می شود چرا که تروریست ها مرتباً از متحدان خود در عراق در خصوص منافع استراتژیک خرابکاری های مستمر علیه تأسیسات زیربنایی نفت درس های تازه می آموزند. این موضوع بویژه پس از اظهارات ماه گذشته اسامه بن لادن برای پیروانش صدق پیدا کرده که آنها را ترغیب به هدف قرار دادن خطوط لوله نفت اطراف خلیج فارس می نمود.

در چند هفته آینده هند باید تصمیم نهایی خود را در این خصوص اتخاذ نماید که آیا مایل است به پروژه خط لوله بپیوندد یا خیر. اگر پاکستان واقعاً بخواهد هند بار اجرای پروژه را تقبل نماید، باید به دهلی ثابت کند که قادر است امنیت و ثبات مسیر خط لوله را تأمین نماید. رئیس جمهور پاکستان، پرویز مشرف به افراد قبایل بلوچ هشدار داد که از خشونت دست بردارند و تهدید کرد که علیه آنان به زور متوسل خواهد شد: «ما را مجبور نکنید... الان دهه ۱۹۷۰ نیست و این بار حتی فرصت نمی کنید بفهمید که با چه چیزی به شما ضربه وارد کرده ایم.» او این مطلب را با اشاره به سرکوب جدایی طلبان منطقه در دهه ۱۹۷۰ بیان کرد. همان طور که تجربه دیگر مناطق جهان در مورد حمله به خطوط نفت نشان می دهد، پایان دادن به حملات ممکن است عملاً یک مأموریت ناممکن باشد. با این حال، اسلام آباد بیشتر عنوان کرده که پروژه خط لوله را تعقیب خواهد کرد، حتی اگر هند نخواهد به آن ملحق شود.

**فقدان پیشرفت اقتصادی و احساس عمیق جدایی از حکومت، موجب پیدایش عدم اعتماد عمیق میان حکومت مرکزی و مردم بلوچ گردیده است**

### جنگ خاموش بلوچستان

بررسی نزاع چهار جانبه و خاموش ایران، هند، پاکستان و آمریکا در بلوچستان پاکستان  
منبع: الحیات، بهمن ماه ۱۳۸۳  
شهر کوچک و دورافتاده «سوئی» پاکستان، که بیشتر از ۲۵ هزار نفر جمعیت ندارد، طی هفته های گذشته با ورود صدها تن از نظامیان، یگان های

ژانویه ۱۳۸۴  
اندر ایران  
۱۲۴

ویژه و افسران اطلاعاتی پاکستانی، که هلی کوپترهای موشک انداز را نیز به همراه آورده بودند، ناگهان تبدیل به یک منطقه نظامی شد. ارتش پاکستان هفته گذشته با تصرف ۷۲ میلیون متر مربع از اراضی و قلمرو یکی از قبایل بلوچ این منطقه، اقدام به ساخت یک پادگان نظامی کرد. این منطقه همجوار مناطق شرقی ایران است. یعنی همان جایی که «سیمورهرش» طی مقاله ای در «نیویورکر» آن را به عنوان مدخل ورودی نیروهای ویژه امریکایی برای جاسوسی از تأسیسات هسته ای ایران معرفی کرد.

«احمد نیازی» نویسنده روزنامه (Nation) پاکستان در این باره این شبهه را مطرح می کند که ممکن است استقرار ارتش پاکستان در این منطقه بی ارتباط با موضوع گزارش هرش نباشد.

مسئله دیگری که علت یابی این تغییر و تحولات را پیچیده تر می کند این احتمال است که حضور نظامی در این منطقه برای دستگیری «بن لادن» و «ایمن الظواهری» باشد، بویژه آن که مبلغ جایزه برای دستگیری وی نیز افزایش یافته است.

در این میان نمی توان به نقش «دیپلماسی لوله های نفت» بی توجه بود. زیرا از نظر پاکستانی ها، همزمانی افزایش حملات موشکی بی سابقه چهار هفته اخیر به تأسیسات حیاتی پاکستان با سفر قریب الوقوع «وین جیابائو» نخست وزیر چین برای افتتاح بندر بزرگ گوادر نزدیک ترین نقطه مرزی پاکستان به تنگه هرمز بی ارتباط نیست (و این حملات واکنشی به همکاری های اطلاعاتی پاکستان با ایالات متحده است). در این راستا هسته های رسمی حمایت شونده، از سوی ایران و یکی از کشورهای حاشیه خلیج فارس به دست داشتن در حملات تروریستی منطقه بلوچستان متهم شده اند و برخی هم آن را «به چالش گرفتن پروژه ساخت بندر بزرگی می دانند که در قالب همکاری پاکستان و چین با هدف جذب سرمایه گذاری و تجارت منطقه و آسیای میانه صورت می گیرد.» در واقع این بندر بزرگ، رقیب هم تاهای ایرانی اش یعنی بندر چابهار است که با مشارکت هند و ایران ساخته شده و از طریق خطوط راه آهن با ترکمنستان در ارتباط است.

در شب سی ام ماه گذشته، پس از حمله افراد ناشناس به نیروگاه برق اصلی کوئته - مرکز ایالت بلوچستان، بزرگترین ایالت فدرال پاکستان - کل منطقه برای چند ساعت در خاموشی فرورفت و بدین شکل اولین جرقه بحران اخیر زده شد. مسئولیت این حمله را گروهی ناشناس به نام «ارتش آزادیبخش بلوچستان» برعهده گرفته بود. این گروه همچنین مسئولیت حملات موفق سه هفته پیش را نیز برعهده گرفته است. در این حملات بیش از ۶۵۷ موشک به ایستگاه بزرگ گاز طبیعی شهر «سوی» - که شهرهای بزرگ پاکستان را تحت پوشش دارد - شلیک شده بود. این حملات به مدت هشت روز گازرسانی به منازل مسکونی و مراکز صنعتی چندین شهر بزرگ

پاکستان را دچار وقفه کرده بود. به گزارش سخنگوی رسمی شرکت نفت پاکستان، این حملات ۷ میلیون دلار خسارت برجای گذاشته است.

بنابر گزارش «الحیات» تندر و های نهادهای نظامی پاکستان، حوادث اخیر را «اعلام جنگ علنی برخی مراکز دولت های همجوار علیه پاکستان» تلقی می کنند که در قالب حمایت از ستیزه جویان قبایل بلوچ صورت می گیرد. نتیجه این تحلیل افزایش حساسیت در کادر رهبری پاکستان شده که قطعاً آثار خویش را بر مسائل مربوط به کشمیر و ایران خواهد گذاشت.

برای درک حوادث اخیر، ناگزیر باید نگاهی هر چند گذرا به منطقه بلوچستان داشت:

همچنان که منطقه کردستان میان سه کشور ایران، عراق و ترکیه تقسیم شده، منطقه بلوچستان نیز به دو بخش پاکستانی و ایرانی تقسیم شده است که منطقه پاکستانی، بلوچستان و منطقه ایرانی، سیستان و بلوچستان نامیده می شود. بلوچستان پاکستان، دارای ذخایر عظیم نفت و گاز است. اما در طول تاریخ معاصر خود به سبب ضعف حکومت های محلی و نیز نادیده گرفتن اهمیت منطقه از سوی اسلام آباد، آن گونه که باید از این ذخایر بهره برداری نشده است.

به مرور زمان شمار اندکی از رهبران قبایل بخش های ثروتمند بلوچستان موفق به استیلا بر سر نوشت این منطقه شده اند. تا جایی که برخی از آنها دارای ارتش مسلح و زندان های مخوفی اند که بدون محاکمه، افرادی را با مجازات هایی چون حبس ابد در بند کرده اند.

به گفته منابع رسمی دلیل اصلی حضور اخیر ارتش پاکستان در این منطقه، حضور والی پیشین «نواب اکبر خان بکتی» در این منطقه است. «نواب» لقبی است که سلاطین مغول به رهبران مناطق زیر سلطه خود می دادند و هنوز هم رایج است. نواب بلوچستان مدعی مالکیت مناطق غنی نفت و گاز بلوچستان اند و اسلام آباد را به تلاش در جهت استعمار ذخایر و عقب نگه داشتن بلوچ ها متهم می کنند. از نظر آنها بندر گوادر بیش از آن که بندر تجاری باشد، پادگان سری نیروی دریایی چین است. اسلام آباد نیز آنها را به دریافت تسلیحات پیشرفته نظامی از آن دسته کشورهای منطقه - که نمی خواهند شاهد شکوفایی بندر گوادر باشند - متهم می کند؛ گناهی نابخشودنی در حق بندری که قرار است زمینه ایجاد یک منطقه آزاد و شهری مدرن را فراهم کند و محور تجارتي مرکز، جنوب و غرب آسیا باشد. ضمن آن که به رشد و گسترش تجارت میان چین، خلیج فارس و آفریقا کمک کند.

نواب اکبر خان بکتی - که برای توقف حملات خرابکارانه به تأسیسات حیاتی کشور، جدای از باج سبیل های پنهانی، ماهانه ۳۵ هزار دلار از شرکت نفت پاکستان دریافت می کرد - به شکل غیر مستقیم رهبری «ارتش آزادیبخش بلوچستان»

**بنابر گزارش «الحیات»  
تندر و های نهادهای  
نظامی پاکستان، حوادث  
اخیر را «اعلام جنگ علنی  
برخی مراکز دولت های  
همجوار علیه پاکستان»  
تلقی می کنند که در قالب  
حمایت از ستیزه جویان  
قبایل بلوچ صورت  
می گیرد نتیجه این  
تحلیل افزایش حساسیت  
در کادر رهبری پاکستان  
شده که قطعاً آثار خویش  
را بر مسائل مربوط به  
کشمیر و ایران خواهد  
گذاشت**



می گوید: «اکنون احساس می کنیم که ایرانی ها در عمل به تمهیداتشان جدی هستند.»

یکشنبه گذشته «شاهد مسعود» تحلیلگر برجسته شبکه «a.f.v» در برنامه پربیننده خود از قول یک دیپلمات عنوان کرد که پاکستان در صورت همراهی با امریکا - در هر گونه تجاوز به ایران - انتظار نداشته باشد که ایران منطقه بلوچستان پاکستان را به حال خود واگذارد. در این میان فرماندهان پا به سن گذاشته ارتش که از حمایت سیاستمداران حاکم و مخالفان برخوردارند بر روش دیپلماتیک، از طریق گفت و گوی مستقیم با نواب اکبر خان - رهبر شورشیان - و متقاعد کردن او به مصالحه با دولت تأکید می کنند. اما فرماندهان جوان خواستار استفاده از سیاست «مشت آهنین» و سرکوب قبایل متمرّد برای استیلای مقتدرانه دولت بر منطقه هستند. از نظر این دسته، نواب اکبر خان بکتهی با ایجاد ارتباط با کشورهای بیگانه و اشتراک منافع با دشمنان پاکستان از «خط قرمز» گذشته و به نقطه «بازگشت ناپذیر» رسیده است. بنابراین مذاکره با او بی معنی است.

بنا به گفته منابع پاکستانی شخص مشرف با فرماندهان جوان هم عقیده است، لیکن نمی خواهد روی سیاستمداران و نظامیان کهنه کار را زمین بگذارد و به همین دلیل به دادن فرصتی برای حل مسالمت آمیز بحران بی رغبت نیست.

حل و فصل بحران با مذاکره یا سرکوبی نواب اکبر خان بخشی از مشکل است و در این میان مشکل حامیان خارجی قبایل متمرّدی که از نظر اسلام آباد «تروریست» هستند، باقی مانده است.

آیا پاکستان در حمله به ایران، امریکا را همراهی می کند؟ به گفته سیمور هرش واحدهایی از سرویس اطلاعاتی پاکستان در جاسوسی از تأسیسات هسته ای ایران، کماندوهای امریکایی را یاری کرده اند. اگرچه امریکا این مسئله را رد نکرد اما اسلام آباد به شدت آن را تکذیب کرد.

واقعیت این است که مقامات پاکستانی به شدت مخالف هر گونه تهاجم امریکا به ایران هستند. زیرا به رغم بروز اختلافات اخیر با ایران، پاکستانی ها هنوز از بابت همراهی ایران در جنگ با هند از همسایه غربی خود سپاسگزارند چرا که آن زمان پاکستان به ایران، به عنوان یک «عقبه مطمئن» می نگریست با این حال تندرهای موجود در هیئت حاکمه پاکستان، مخالفان ملی گرا و لیبرال، نظام حاکم بر ایران را همپیمانان طبیعی پاکستان می دانند و معتقدند که پس از سال ۱۹۷۹ و بویژه زمانی که تهران فهمید کمک های پاکستان به پیشرفت برنامه اتمی ایران، صرفاً برای کاستن از توجه و فشار جهانی در برنامه های اتمی اسلام آباد و جهت دادن آنها به سوی تهران بوده و در این مسیر موفق هم شده، روابط تهران - اسلام آباد رو به تیرگی نهاده است. در هر صورت این دسته اکنون در اقلیت اند و دور می نماید که بتوانند حرف خود را به کرسی بنشانند □

را برعهده دارد. این ارتش که با شعارهای قومی - نژادی سرکردگی نواب اکبر خان را پذیرفته، متشکل از نواب و برخی روسای قبایل بلوچ است. لیکن نمی توان با قاطعیت مدعی همراهی تمام قبایل با آنان شد. خصوصاً آن که بسیاری دیگر از رهبران جوان تر قبایل بلوچ - که فارغ التحصیل دانشگاه های پاکستانی و غربی هستند - عضو حکومت محلی تابع دولت هستند.

با شدت گرفتن بحران بلوچستان در ژانویه گذشته «ریاض کوکر» به عنوان نماینده وزارت خارجه عازم تهران شد و وزارت خارجه پاکستان هیچ توضیحی در این مورد ارائه نداد. کمی بعد فرستاده استانداری سیستان و بلوچستان ایران، بی سروصدا از کوپته - مرکز ایالت بلوچستان - دیدار کرد.

پس از این دیدار، گفت و گوها میان مقامات دو کشور در تهران و پاکستان بدون این که دو طرف گفت و گو توضیحی رسمی ارائه دهند، همچنان آرام و بی سروصدا تداوم یافت. ذکر این نکته ضروری است که یک منبع موثق پاکستانی به الحیات خبر داد که در خلال این گفت و گوها، پاکستان بارها از طریق مجاری دیپلماتیک به اطلاع مقامات ایران رسانید که اسلام آباد، اقدام ایران در اعطای مجوز برای افتتاح مراکز کنسولی جدید هند در مجاورت مرزهای شرقی را به دیده تردید می نگرد. به گفته پاکستانی ها، ایران اعتنایی به درخواست های پیاپی پاکستان نمی کرد تا این که فشار امریکا برای متوقف ساختن برنامه هسته ای ایران، باعث شد که ماه گذشته ایرانی ها همزمان نمایندگانی را به آنکارا و اسلام آباد بفرستند تا به این کشور اطمینان دهند که ترکیه و پاکستان در سیاست های امریکا - در قبال ایران - بی طرف می مانند. مسئول پاکستانی فوق الذکر در این باره

**«شاهد مسعود» تحلیلگر  
برجسته شبکه «a.f.v»  
در برنامه پربیننده خود  
از قول یک دیپلمات  
عنوان کرد که پاکستان  
در صورت همراهی با  
امریکا - در هر گونه  
تجاوز به ایران - انتظار  
نداشته باشد که ایران  
منطقه بلوچستان  
پاکستان را به حال خود  
واگذارد**